روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامرسان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
وطن امروز

حضرت امیر المومنین(ع):
بیچاره اسراف کار! چه دور است از اصلاح نفس و جبران کار خود.

به عبارت دیگران

عادی شدن جوشش را متوقف می‌کند

گردآورنده: تقی دژاکام

در هر حرفه‌ای گری، نوعی دوری از حقیقت آن امر وجود دارد. حرفه‌ای شدن وجه دیگری از حادثه شگفت عادی شدن است. به محض حرفه‌ای شدن در کاری، جوشش متوقف می‌شود و ارتباط وجودی با یک حقیقت، به تکرار یک آیین بدل می‌شود. حرفه‌ای شدن نتیجه ماندن و یک‌جا ایستادن است؛ همان چیزی که شیخ‌مرتضی [انصاری] از آن فرار می‌کرد. آن گروه از طلبه‌های حرفه‌ای که در دامنه کوه مرجعیت خانه کرده بودند، خود هیچ‌وقت توان رسیدن به قله را نداشتند و نیز توان تحمل آن که به سمت قله می‌رود را.

وحید یامین‌پور / نخل و نارنج
انتشارات جمکران - صفحه ۱۴۴

***

یک چشمه از دانش خواجه نصیرالدین طوسی

ما در رساله «انسان کامل از دیدگاه نهج‌البلاغه» این روایت مربوط به بهشت و درجات بهشت و آیات قرآن را که نقل کردیم، منتقل شدیم به عنوان مثال و تنظیر، به یک شکل هندسی که آن شکل هندسی «الشکل القِطاع» است و به عرض رساندیم که چه جای تعجب است قرآن را که هر حرف آن دارای هفتاد هزار معنا و بیش از آن باشد و حال آنکه یک شکل هندسی «قطاع» دارای آن همه احکام هندسی است، که مرحوم خواجه نصیر بیان کرده است.

بنده حدود ۳۰ سال پیش صحبتی با یک ریاضیدان داشتم... به او گفتم: آقا این خواجه نصیرالدین طوسی کتابی دارد به نام «کشف القناع عن اسرار شکل القطاع» و جناب خواجه از این شکل ۴۹۷ هزار و ۶۶۴ حکم هندسی استنباط کرده... این خواجه وقتی که در بغداد حالش دگرگون شد و دید دارد از این نشئه به جوار الهی ارتحال می‌کند، وصیت کرد: مرا از کنار امام هفتم، باب الحوائج الی الله، از این معقل و پناهگاه بیرون نبرید و در عَتَبه به خاک بسپارید و روی قبرم در پیشگاه امام هفتم مثلا نوشته نشود آیت‌الله، علامه، این امام است، حجه‌الله، قرآن ناطق و امام ملک و ملکوت است. روی قبر من بنویسید: «و کلبهم باسطٌ ذِراعیهِ بالوَصید».

حسن حسن‌زاده آملی
گفت‌وگو با علامه حسن حسن‌زاده آملی
محمود بدیعی - صفحات ۶۵ و ۶۶

***

مواظب باش صفایت با خدا به هم نخورد!

حضرت نوح علیه‌السلام بعد از اینکه با ۲۰-۱۰ نفر سوار کشتی شدند، یک‌دفعه به یاد پسرش افتاد. خطاب آمد: «إِنَّهُ لَیسَ مِن أهلِکَ»*؛ او از اهل تو نبود، بی‌خود به او چسبیده بودی. ان‌شاءالله این در مذهب شیعه پیشامد نمی‌کند. این آیه را بنده برای قوت قلب شما خواندم که صلواتی بفرستی، دستی به دست بمالی و بچه‌هایت را نگاه کنی ببینی خداوند اولاد خوب به شما داده است، اگر هم نداده از روی مصلحت بوده است. این هم خوب است. کارهای خدا را امضا کن! اگر امضا نکنی غصه‌ها را خورده‌ای و همه از کیسه‌ات رفته است. اگر دانستیم خدا خیر ما را می‌خواهد غصه نمی‌خوریم. کارهایی که او می‌کند همه برای ما خوب است، پس با اختیار خود آن را امضا کن. مشیت خدا مشی خداست؛ آن را امضا کن! به یک حساب محمد و آل‌محمد صلی‌الله علیه و آله مشیت‌اند. اگر کارهای خدا را امضا کردی خیلی خیر می‌بارد. خوش‌اخلاقی به سوی شما روی می‌آورد؛ باطن شما هم با خدا آشتی کرده است. از این ساعت به بعد تمام زندگی‌ات را درست برو. هر کجا باز دیدی داری تکان می‌خوری، صلواتی بفرست و مواظب باش که صفایت با خدا به هم نخورد.

***سوره هود، آیه ۴۶**
محمداسماعیل دولابی
طوبای محبت - کتاب یکم، مجلس چهاردهم
صفحه ۱۴۵

***

احترام به بت‌پرستی و نیرنگ ملکه انگلیس

شما مقایسه‌ای کنید میان کار ابراهیم بت‌شکن و همچنین کار رسول اکرم(ص) از یک‌طرف و کار ملکه انگلستان از طرف دیگر. پیامبر بعد از فتح مکه به عنوان «آزادی عقیده»، بت‌ها را باقی نگذاشت و تمام بت‌ها را از بین برد، زیرا این بت‌ها سمبل اسارت فکری مردمند. صدها سال بود فکر این مردم، اسیر این بت‌های چوبی و فلزی بود که به کعبه آویخته بودند. پیامبر تمام این بت‌ها را در هم ریخت و واقعا مردم را از خرافات آزاد کرد.

حال شما این کار را مقایسه کنید با اینکه ملکه انگلستان در سفر به هند وقتی می‌خواست به تماشای یک بت‌خانه برود، مردم عادی وقتی می‌خواستند داخل صحن بتخانه شوند کفش‌های‌شان را می‌کندند، او هنوز به صحن نرسیده و خیلی قبل از رسیدن به صحن، کفش‌هایش را به احترام بت‌ها کند و از همه آن بت‌پرست‌ها مؤدب‌تر مقابل بت‌ها ایستاد و به آنها احترام کرد. یک عده هم گفتند: ببینید ملکه روشنفکر چقدر به عقاید مردم احترام می‌گذارد! آنها نمی‌دانند این نیرنگ استعمار و فریب بزرگ ملکه است. درحقیقت این احترام به بت‌پرستی، احترام به اسارت و جهل و خدمت به استعمار است.

مرتضی مطهری/مجموعه آثار
جلد ۲۴، صفحه ۱۲۳

هنرمندان و اهالی فرهنگ ایران یکصدا جنایت رژیم صهیونیستی را محکوم کردند

همه پای کار ایران

میلاد جلیل‌زاده

یک هفته پیش اگر از خودمان می‌پرسیدیم چطور ممکن است اتفاقی بیفتد که بشود ذیل آن تمام مردم ایران، از هنرمندان و طیف‌های مختلف سیاسی و فکری گرفته تا لایه‌ها و طبقات متفاوت اجتماعی، همه را دست در دست هم و یک‌صدا کنار هم قرار دهد، بعید به نظر می‌رسید چنین چیزی به این راحتی‌ها و به این زودی‌ها قابل تحقق باشد اما دشمن که ذات آن ضربه زدن است، گاهی اوقات از روی حماقت، چنین دستاوردهایی هم برای ما می‌سازد؛ دشمنی که قبلا هم نشان داده به محض قرار گرفتن در تنگنای وجودی، کاملا عقل خود را از دست داده و به لحاظ رسانه‌ای و نوع تاثیرگذاری در افکار عمومی جهان، به شکلی کاملا خودویرانگر عمل می‌کند. اگر قدری با دقت مرور کنیم، می‌بینیم آنها در این مدت که از توفان الاقصی گذشته، از این رفتارهای خودویرانگر کم نداشته‌اند. روزی که صهیونیست‌ها ویدئوی لحظه شهادت یحیی سنوار، رئیس دفتر سیاسی حماس و از طراحان عملیات توفان الاقصی را منتشر کردند و باعث ایجاد یک موج فراگیر و جهانی در ستایش این مرد در سراسر جهان شدند، معمای بزرگی در ذهن خیلی از کسانی که این رفتار را رصد می‌کردند به وجود آمد. انتشار این ویدئو نه‌تنها مهر بطلانی بود بر تمام شایعاتی که درباره زندگی پرزرق و برق این مرد در کنار فقر و آوارگی مردم غزه ایجاد شده بود، بلکه سیمای مردی آرمانگرا و مبارزی را که تا آخرین نفس می‌جنگد در برابر تمام ناظران جهانی قرار داد. چرا صهیونیست‌ها باید چنین حماقتی می‌کردند و این ویدئو انتشار پیدا می‌کرد؟ واقعیت این است که به قدری روی هوش رسانه‌ای صهیونیست‌ها غلو شده بود و حتی خیلی از ما آنها را دست بالا گرفته بودیم که باور نمی‌کردیم چنین حماقت واضحی بکنند و تصور می‌کردیم نقشه‌ای چند لایه در کار بوده و لابد از این کار هدفی را پیگیری می‌کنند که هنوز از آن سر درنیاورده‌ایم اما به واقع چنین نبود. جامعه در خود بسته صهیونیستی خبری از بیرون خود نداشت و غرق در روحیات خون‌آشام‌صفتش از دیدن این ویدئو لذت می‌برد. آنها نمی‌توانستند خود را لحظه‌ای جای افرادی غیر از آن جامعه بسته‌شان بگذارند و ببینند که از زاویه دید باقی مردم دنیا، مردی که تا آخرین گلوله جنگیده و وقتی زخمی و از نفس افتاده است، با چوبی که کنار دستش قرار دارد به ریزپرنده دشمن حمله می‌کند، چه قهرمان بزرگی دیده می‌شود. این حماقت‌ها در موارد مختلفی ادامه پیدا کرد؛ چنانکه اخیرا وقتی موسسه تحقیقاتی پیو درباره نگاه افکار عمومی جهان به اسرائیل یک نظرسنجی بین ۲۴ کشور دنیا انجام داد، غیر از کشورهای مسلمان مثل ترکیه و اندونزی که منفور بودن اسرائیل در میان مردم آنها طبیعی‌تر به نظر می‌رسد، اعلام شد ۷۹ درصد ژاپنی‌ها، ۷۲ درصد آلمانی‌ها و یونانی‌ها، ۶۶ درصد ایتالیایی‌ها، ۶۳ درصد فرانسوی‌ها، ۶۰ درصد مردم کره‌جنوبی و کانادا و حتی ۵۳ درصد مردم ایالات متحده از رژیم صهیونیستی متنفر هستند. سال‌های سال بود صهیونیست‌ها به عنوان صاحبان بزرگ‌ترین و موثرترین بنگاه‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی دنیا شناخته می‌شدند که می‌توانند در روز روشن به مردم هر سرزمینی چنین القا کنند که شب است و بالعکس اما این آمارها به طور کلی و مواردی جزئی‌تر که از اظهار نظرهای وقیحانه مسؤولان اسرائیلی نسبت به هر خبری گرفته تا پیوست‌های رسانه‌ای عملیات نظامی، مثل ویدئوی ترور یحیی سنوار، خیلی مسائل را شامل می‌شد، همگی نشان می‌داد باید بپذیریم آن هیولای مخوف هیمنه‌اش فروپاشیده و شکم خودش را پاره کرده و در حال جویدن دل و روده خودش است. دیگر نه‌تنها افسانه تسلط تام صهیونیست‌ها بر افکار عمومی و فضای رسانه‌ای فروپاشیده، بلکه حالا آنها طوری رفتار می‌کنند که انگار برای تبلیغ علیه خودشان، توسط دشمنان‌شان استخدام شده‌اند.

آنچه در بامداد ۲۳ خردادماه ۱۴۰۴ در ۱۲ استان ایران و ده‌ها شهر و شهرستان مختلف توسط ارتش رژیم صهیونیستی رخ داد، دقیقا در راستای همین حماقت جنون‌آمیز است. چیزی که آن را با حمله ژاپن به بندر پرل‌هاربر آمریکا در جنگ دوم جهانی مقایسه می‌کنند و تماماً نشانه‌ای از قدرت نظامی نبود، چرا که صددرصد بر پایه غافلگیری متمرکز شد و در ادامه می‌تواند پاسخ‌های سنگینی بگیرد. همین حرکت اما در عوض باعث شد افکار عمومی ایران، بویژه بعد از چند دور اتفاقات اجتماعی که شکاف‌ها و قطبی‌سازی‌هایی را در جامعه به وجود آورده بود، ناگهان به راحتی، یک‌شبه، یا بهتر است گفته شود چند ساعته، زیر و رو شود. حالا تمام آن شکاف‌ها و انقطاب‌ها که دشمنان ایران آنها را طی چند سال برنامه‌ریزی و با صرف میلیاردها دلار هزینه ایجاد کرده بودند، نابود کند. حتی روزی که دشمن صهیونیستی برای این حمله انتخاب کرد نشان می‌داد چقدر از فرهنگ ایران دور هستند و با آن آشنایی ندارند. این اتفاق در روز پیش از عید غدیر افتاد و باعث شد پاسخ ایران در روز عید، با آیین شادی غدیر ترکیب شود و فضا به جای غمگین بودن، جلوه‌های حماسی پیدا کند. به‌علاوه با ادامه این نبرد همزمانی آن با ایام عزاداری محرم و صفر، می‌تواند جلوه‌های معنوی و ملی قوی‌تری به آن ببخشد. امروز وقت گلایه از تمام کسانی نیست که حتی وقتی خیابان‌های اروپا و آمریکا در سیلاب مردم معترض به جنایات صهیونیست‌ها غرق بود، حاضر نبودند کلمه‌ای در محکومیت جنایات این رژیم حرف بزنند و از هر گزاره‌ای که تهدید وجودی برای انگاره‌های غرب‌گرا بود به‌شدت پرهیز داشتند، اما به هر حال تمام این سازه ناگهان فرو ریخت و مارپیچ سکوت در برابر جنایات نیروی نیابتی غرب متلاشی شد. رژیم صهیونیستی صبحگاه ۲۳ خردادماه ۱۴۰۴ تمام رفتارهایی را کرد که اگر یک داستان‌نویس می‌خواست در فهرست رفتارهای شخصیت بد و هیولاصفت قصه‌اش بگنجاند، از این می‌ترسید که به غلو کردن متهم شود. آنها اما انگار دیگر از اینکه آبرویی داشته باشند ناامید شده‌اند و هیچ ملاحظه‌ای یا هزینه‌ای برای افکار عمومی جهان نمی‌کنند ولی یک مساله مهم و استراتژیک را درباره اقدامات اخیرشان در نظر نگرفتند؛ این تجاوز وحشیانه، این‌بار نسبت به ایران صورت گرفت و باعث شد جامعه ایران یکدست و یکپارچه شود و حتی خیلی‌ها اعلام کنند با اینکه مخالف حکومت هستند یا محکومیت قضایی هم داشتند، این بار پشت حکومت در مقابل این دشمن بی‌رحم می‌ایستند. این شعار نیست؛ اگر جامعه ایران یکپارچه شود و علیه دشمن صهیونیست موضع بگیرد، آنقدر توان دارد که این جرثومه فساد را به ورطه نابودی بکشاند. آنها با نوع رفتارشان این بلا را خودشان بر سر خودشان آوردند. نگاهی به مواضعی که هنرمندان ایران در فضای مجازی طی همان چند ساعت اولیه اقدامات جنایتکارانه اسرائیل اتخاذ کردند، به وضوح برای کسانی که فضای اجتماعی ایران را در سال‌های اخیر رصد کرده بودند، روشن می‌کند حرکتی خودجوش اما بزرگ در سطح جامعه اتفاق افتاده و این نشانه‌ای است از ایجاد یک موج اجتماعی غافلگیرانه در سطح جامعه ایران و همین قضیه، بزرگ‌ترین سرمایه را برای سیاست‌گذاران جبهه مقاومت و رزمندگان وطن فراهم خواهد آورد؛ یعنی سرمایه اجتماعی قوی در قلب جبهه مقاومت. در ادامه مروری کلی شده است بر مواضعی که هنرمندان و اهالی فرهنگ ایران، طی ۲۴ ساعت اولیه پس از حمله رژیم صهیونیستی در فضای مجازی انجام دادند.

■ بالاخره هنرمندان تعارف را کنار گذاشتند

به طور طبیعی از میان اقشار مختلف هنرمندان، پررنگ‌ترین حضور را در فضای مجازی هنرپیشگان سینما دارند. پس از حمله رژیم صهیونیستی به چند نقطه ایران، بازیگران متعددی به این اتفاق واکنش سرشار از خشم نسبت به متجاوزان و همدلی با مردم ایران نشان دادند که از آن جمله می‌توان به چهره‌هایی از قبیل پریناز ایزدیار، بهاره رهنما، هومن حاج‌عبداللهی، ستاره اسکندری، پرویز پرستویی، الهام پاوه‌نژاد، محمدرضا گلزار، شهره سلطانی، کمند امیرسلیمانی، نازنین بیاتی، نرگس محمدی، شبنم قلی‌خانی، الهام حمیدی، نیما شعبان‌نژاد، سمیرا حسن‌پور، فلور نظری، مسعود صادقلو، آزیتا ترکاشوند، نسرین مقانلو، لیلا بلوکات، نیوشا ضیغمی، باربد بابایی، علی شادمان، روشنک عجمیان، لیلا اوتادی، میلاد کی‌مرام، امیر غفارمنش، بهرنگ علوی، حسین مهری، محمدرسول صفاری، مجید واشقانی، علیرام نورایی، فرزین محدث، الهام اخوان، صدف اسپهبندی، علی سرابی، بهاره کیان‌افشار، رزیتا غفاری، هلیا امامی و حتی فریبرز عرب‌نیا که در خارج از کشور زندگی می‌کند و طی سال‌های اخیر مواضع منتقدانه‌ای داشت اشاره کرد. حتی او هم به وضوح از رژیم جنایت‌پیشه صهیونیستی اسم می‌برد و آن را به سبب این رفتارها محکوم می‌کند. چهره‌های سینمایی دیگر مثل محمد شایسته که از تهیه‌کنندگان مطرح است یا فرزاد معتمن که کارگردان شناخته‌شده به حساب می‌آید هم در فضای مجازی به محکومیت تجاوز رژیم صهیونیستی پرداختند اما موردی که توجهات را بسیار به خودش جلب کرد، اظهار نظر ابراهیم حاتمی‌کیا بود، چرا که او از فیلمسازان دفاع‌مقدس است و حالا که بوی جنگ در کشور پیچیده، آنچه می‌گوید، انگار از زبان یکی از کهنه‌سربازان بیرون آمده است. حاتمی‌کیا در این باره نوشت:

«بسم‌الله قاصم الجبارین

برادرانم؛ آقا حسین سلامی و آقا محمد باقری و آقا غلامعلی رشید که شما را با نام‌تان در جبهه می‌شناختیم، جز شهادت هیچ درجه‌ای بر قامت شما نمی‌ارزید. برای شهیدان هسته‌ای و دفاعی هم که با چشمانی باز و آرمانی روشن پا به این عرصه جهاد نهادند، جز تبریک و حسرت از غیبت‌شان و غبطه برای من کوچک‌ترین چیزی ندارم اما دلم برای عزیزان بیگناه می‌سوزد. حریف صهیون، نامرد است. کودک‌کش است. از رزم در میدان فراری است و تخصص‌اش رعب و هراس بر دل‌های سوخته است. اینک وقت دفاع از حریم قدسی این خاک پاک ایران است و جز ادب کردن این متجاوز صهیون راهی نمانده است».

خانه سینما هم پس از این اتفاقات بیانیه‌ای داد که با آیه‌ای از قرآن درباره شهدا آغاز می‌شد: «وَ لَا تَحْسَبَنّ الّذینَ قُتِلوا فِی سَبیلِ‌الله أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ» و در آن ضمن تاکید بر همدلی و انسجام ملی، بر مطالبه انتقام شهیدان تاکید شده بود.

در میان اهالی موسیقی هم خواننده‌هایی مثل علی زندوکیلی، همایون شجریان، محسن چاووشی، مسعود صادقلو، رضا صادقی، فریدون آسرایی، فرزاد فرزین و محمد علیزاده و موزیسین‌های نامداری مثل کارن همایونفر و طهمورث پورناظری نسبت به این اتفاق واکنش‌های صریحی نشان دادند.

اما اهل قلم به وقایع اخیر واکنش‌های مفصل‌تری داشتند. به طور مثال اسدالله امرایی نوشت: «به مردم عادی کاری ندارند! ابلهی گفت و احمقی باور کرد». علی‌اصغر سیدآبادی، نویسنده ادبیات کودک و نوجوان نیز در مطلبی نوشت: «مقررات بین‌المللی، خطوطی روی کاغذند که ناکارآمدی‌شان وقتی مشخص شد که اسرائیل هزاران کودک را در غزه کشت و هیچ دولت و سازمان بین‌المللی نتوانست یا نخواست کاری کند و چه‌بسا که این جنایت‌ها با پشتیبانی برخی از همان دولت‌ها انجام شد». مهدی یزدانی‌خرم، روزنامه‌نگار و داستان‌نویس و داوود امیریان، نویسنده ادبیات کودک و نوجوان هم واکنش‌هایی به این اتفاق داشتند و در کنار اینها بسیاری از شعرا با سرودن قطعاتی فوری، نخستین هنرمندانی بودند که در مواجهه با این اتفاقات، آثار هنری‌شان را خلق کردند. مثلا محمدکاظم کاظمی، شاعر افغانستانی ساکن ایران، با تسلیت به «به همزبانان همدل»، سرود:

«مشت جهان و اهل جهان باز باز شد
دیگر کسی نمانده که ترفندمان زند
سر می‌دهیم زمزمه‌های یگانه را
حتی اگر زمانه دهان‌بندمان زند».

افشین علاء هم شعر نویی با عنوان «نتانیاهو» سرود که چنین آغاز می‌شد:

«حک شدی مانند دشنام رکیکی روی دیوار مبال
جاده‌ای منفور
مثل مرداری نهان در آشغال کوچه‌ای متروک
یا چو مولود پلیدی حاصل دلالی قواده‌ای منفور».

میلاد عرفان‌پور یک رباعی زیبا سرود از این قرار:

«صبح از دل این غبار برمی‌خیزد
از معرکه بانگ یار برمی‌خیزد
این خون غدیر است به جوش آمده باز
پیداست که ذوالفقار برمی‌خیزد».

محمدمهدی عبدالهی هم در رباعی دیگری سرود:

«این خون که سرآغاز قیام است امروز
یاریگر فصل انتقام است امروز
با نغمه یا علی بگو بر صهیون
کار همه کفر تمام است امروز».

و رضا شیبانی غزلی سرود با این مطلع:

«این زلف به خون تر شده، زلف وطن ماست
این پیکر صدپاره، تن ماست، تن ماست».

بسیاری از شاعران دیگر هم ابیاتی را که قبلا سروده بودند و با حال و احوال این روزها همخوانی داشت جلوی دوربین‌های شخصی‌شان از نو قرائت کردند و به مناسبت این ایام منتشر کردند. غیر از اینها هم بسیاری از هنرمندان دیگر از جمله مجریان تلویزیونی مثل مژده لواسانی، علی ضیا، احسان علیخانی، نیما کرمی، فاطمه افشاریان و هنرمندانی از تئاتر، کاریکاتور، نقاشی و سایر شاخه‌های هنری، نسبت به جنایت رژیم صهیونیستی، واکنش‌هایی در فضای مجازی نشان دادند.

نگاهی به گزینه خروج از NPT

نگاه

ادامه از صفحه اول

برای درک بهتر، باید این موضوع را از چند منظر تحلیل کرد.

۲-۱- الگوی کره‌شمالی: چگونه خروج از NPT و ساخت بمب اتم، بازدارندگی ایجاد کرد؟

کره‌شمالی خروج از NPT را سال ۲۰۰۳ شروع کرد. کره‌شمالی رسماً از NPT خارج شد و علناً اعلام کرد به دنبال سلاح هسته‌ای است و تست‌های هسته‌ای (از ۲۰۰۶ به بعد) را انجام داد و چندین بمب اتمی آزمایش کرد و موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای را توسعه داد و با در تقابل با غرب، تحریم‌های شدید آمریکا و متحدانش را به جان و دل خرید. با این حال این کشور «هرگز مورد حمله نظامی مستقیم» قرار نگرفت. چرا؟ به این دلیل که به سبب خاصیت اصلی سلاح هسته‌ای «هزینه حمله به یک کشور هسته‌ای بسیار بالا می‌رفت (احتمال پاسخ هسته‌ای یا تخریب گسترده)» و از سوی دیگر نیز کره‌شمالی آستانه پاسخ را به پایین‌ترین وضعیت ممکن رسانده است؛ کره‌شمالی تهدید کرده حتی در صورت تهدید و اقدامات نظامی سطح پایین کره‌جنوبی و طرف غربی «پاسخ شدید خواهد داد». از سوی دیگر کره‌شمالی پاسخ را برای دیگران «باورپذیر» کرده است.

۲-۲- سرعت در ساخت بمب اتم

آنچه درباره کره‌شمالی به وضوح مشخص است، گزینه «سرعت» است. اگر ایران نیز پس از خروج از NPT، «به سرعت» به سمت ساخت بمب اتم حرکت کند (مثلاً با افزایش غنی‌سازی به ۹۰ درصد و ساخت کلاهک هسته‌ای)، اسرائیل و آمریکا ممکن است در حمله مستقیم تردید کنند، چرا؟ به این سبب که ایران نزدیک به بمب هسته‌ای، ریسک جنگ تمام‌عیار را افزایش می‌دهد. آیا در میانه زدوخورد کنونی ایران می‌تواند به سرعت غنی‌سازی را به بالای ۹۰ درصد برساند، این گزینه (مستقل از مناسبات ایدئولوژیک) می‌تواند تهدید کند که در صورت تداوم حمله، می‌تواند در دستور کار ایران قرار گیرد اما چرا «سرعت» در ساخت بمب اتم مهم است؟ پاسخ به این سوال نیاز به بررسی چندبعدی از منظر ابعاد استراتژیک دارد. نخست به این دلیل که دوره آسیب‌پذیری (Window of Vulnerability) اگر ایران از NPT خارج شود اما نتواند در زمان کوتاه بمب بسازد، اسرائیل یا آمریکا یا در قالب یک ائتلاف بین‌المللی ممکن است «حمله پیش‌دستانه علیه ایران» را موجه‌سازی کنند. این موضوع برای وضعیت امنیتی کشور هزینه‌های بسیار زیادی را در پی خواهد داشت (شبیه حمله ۱۹۸۱ اسرائیل به رآکتور اوسیراک عراق). بنابراین سرعت از این منظر حائز اهمیت بسیار است. دوم اینکه بازدارندگی فقط با قابلیت واقعی مؤثر است. تا زمانی که ایران نتواند «در عمل» یک سلاح هسته‌ای قابل استفاده آزمایش کند یا دست‌کم تولید معتبر کند، تهدید آن برای دشمنان باورپذیر نیست. بنابراین اینگونه نیز نیست که بتوان به صورت لفاظانه‌ای بر عملکرد داشتن سلاح هسته‌ای مانور داد. بر این اساس ساخت سلاح هسته‌ای قدرت بازدارنده بسیار زیادی دارد که از جمله مثال‌های بسیار آن می‌توان به کره‌شمالی یا هند و پاکستان اشاره کرد. برای مثال هند و پاکستان پس از ساخت بمب، به رغم تنش‌های شدید (مثل بحران کارگیل ۱۹۹۹)، هرگز وارد جنگ تمام‌عیار نشدند، چون هر ۲ طرف می‌دانستند جنگ می‌تواند به «تبادل هسته‌ای» منجر شود.

۲- ۳- الزامات دستیابی به سلاح هسته‌ای برای ایران

موضوع مهم دیگر اینکه بین ایران و کره‌شمالی تفاوت‌هایی وجود دارد و به همین دلیل است که ریسک رسیدن به این استراتژی را برای ایران افزایش می‌دهد. نخستین الزام ایران «وجود اتحاد استراتژیک» است. کره‌شمالی همسایه قدرت‌های بزرگ (چین و روسیه) بود که تا حدی از آن حمایت می‌کردند. ایران در منطقه‌ای بی‌ثبات قرار دارد و متحدانش (روسیه و چین) ممکن است حمایت کامل نکنند. دوم «حساسیت غرب به ایران» است. برنامه هسته‌ای ایران برای اسرائیل «خط قرمز مطلق و وجودی» است. حملات کنونی اسرائیل به ایران نیز با همین بهانه انجام شده و به صورت کاملا واهی نام آن را حمله پیش‌دستانه گذاشته است. سوم اینکه ایران فاصله امنیتی با طرف‌های خصم بزرگ ندارد اما کره‌شمالی دارای فاصله امنیتی است. چهارم «وابستگی اقتصادی ایران» به شبکه اقتصادی بین‌المللی است. کره‌شمالی سال‌ها تحت تحریم بود و اقتصادش را با شرایط تطبیق داد. ایران وابستگی بیشتری به صادرات نفت و تجارت بین‌المللی دارد و تحریم‌های شدیدتر می‌تواند باعث آسیب‌پذیری اقتصادی ایران شود.

۳- ایران چگونه می‌تواند از این استراتژی استفاده کند؟

از منظر روابط بین‌الملل و استراتژی قدرت‌های بزرگ، در این وضعیت ایران می‌تواند به این گزینه بسیار فکر کند: ۱- با پنهانکاری و سرعت عمل بسیار بالا مانند کره‌شمالی، برنامه هسته‌ای را در تاسیسات زیرزمینی و غیرقابل شناسایی پیش ببرد، ۲- استفاده از ذخایر موشک‌های قاره‌پیما برای تضمین توانایی ضربه زدن به دشمنان دور (اروپا یا آمریکا) و ۳- تحمل تحریم‌های شدید و ایجاد اطمینان نسبت به زیرساخت‌های تامین معیشت و اقتصادی که بتواند شرایطی را ایجاد کند که اقتصاد را روی پایه خودکفایی نسبی بازسازی کند. بنابراین «بازدارندگی هسته‌ای» بهترین نوع بازدارندگی است (که نمونه موفق آن البته در بعد بازدارندگی امنیتی و نه الزاما اقتصادی کره‌شمالی است).

۴- جایگاه خروج از NPT برای عملی شدن استراتژی بازدارندگی هسته‌ای

شاید مهم‌ترین دوره برای ایران، دوره بین خروج از NPT و ساخت بمب اتم باشد. این دوره بیشترین میزان آسیب‌پذیری را به دنبال خواهد داشت. بنابراین مساله این است که ایران باید بتواند این دوره بحرانی را مدیریت کند. اگرنه خروج از NPT ممکن است نتیجه معکوس داشته و حملات بیشتر را تسریع کند. با این حال به برداشت من ایران به نحو اجتناب‌ناپذیری به سمت خروج از NPT حرکت خواهد کرد و دستگاه نظامی و سیاست‌ورزی ایران باید به فکر فردای بعد از این اقدام باشد.